فرهیختگان
جوان شهر
یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۶۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### غرب در اقدامی به شدت تهاجمی تمام مناطق پیرامونی روسیه را درگیر تنش کرده است

# ناتو؛ امپراتوری توهم

فاطمه بریمانی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

پس از وقوع جنگ اوکراین و تمرکز نظامی کامل روسیه بر این کشور، غرب تصمیم گرفت همه توان خود را به کار گیرد تا روسیه را در دیگر مناطق پیرامونش سرگرم کند. به همین منظور کشورهای غربی در تلاشند با نفوذ به وسیله طرح‌های نظامی و اقتصادی در مناطق پیرامون روسیه، مانع از تمرکز این کشور بر اوکراین شوند. می‌توان مناطقی که غرب به دنبال ایجاد پایگاه مشروعیت در آن است را به چند دسته تقسیم کرد. مناطقی که از دریای بالتیک و جمهوری‌های بالتیکی تا قفقاز، آسیای میانه و حتی شبه جزیره کره کشیده شده‌اند. نفوذ غرب در هر یک از این مناطق می‌تواند هراس بزرگی برای روسیه ایجاد کرده و کرملین را به اختصاص منابع نظامی، سیاسی و اطلاعاتی بیشتری برای کنترل بحران ملزم کند. هر اقدام روسیه برای تقویت نیروهایش در سایر مرزها، موجب تمرکززدایی از قوا و منابع این کشور در منطقه اوکراین خواهد شد و این همان اتفاقی است که غرب به دنبال رقم زدن آن است.

## تحرکات در منطقه قفقاز جنوبی

منطقه قفقاز جنوبی ناحیه‌ای مهم در اتصال میان آسیا و اروپاست. تاریخ این منطقه نیز همواره شاهد حضور قدرت‌ها و درگیری ملت‌ها و دولت‌های مستقر در آن بوده است. این منطقه از قرن نوزدهم تا فروپاشی شوروی به شکل مستقیم توسط امپراتوری‌های روس اداره می‌شد تا سال ۱۹۹۱ که این امپراتوری فروپاشید. با وجود استقلال کشورهای قفقاز اما آنها تا به امروز همچنان به میزان زیادی به روسیه وابسته باقی مانده‌اند.

منطقه قفقاز جنوبی به دو دلیل برای کشورهای غربی حائز اهمیت است. نخست آنکه این منطقه با قرار گرفتن در چهارراه اروپا- آسیا و خاورمیانه به یکی از مراکز مهم در ساختار جهانی مدرن تبدیل شده است. از سوی دیگر، کشف منابع سرشار انرژی پس از دوران جنگ سرد، توجه قدرت‌های بزرگ جهانی به‌ویژه آمریکا را به خود جلب کرده است. بحران‌های جدید در منطقه قفقاز طی چهار سال گذشته با حمله آذربایجان به ارمنستان آغاز شدند. هم روسیه و هم طرف‌های غربی به خوبی می‌دانستند که این منطقه را باید به‌عنوان پایگاه نفوذ خود حفظ کنند. روس‌ها در تلاشند تا از ورود و نفوذ آمریکایی‌ها در این منطقه بکاهند اما علی‌رغم همه تلاش‌های پوتین برای حفظ کشورهای اقماری شوروی سابق، تحرکات کشورهای منطقه و گرایش‌شان به ناتو موجب شده تا غرب به‌راحتی در این کشورها جای پا باز کند. طبق اخبار منتشر شده در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۴ (۲۳ خرداد) ایالات متحده و ارمنستان طبق توافق به امضا رسیده، بنا دارند تا روابط دوجانبه‌ای را در سطح «مشارکت استراتژیک» ایجاد کنند. در بیانیه منتشر شده از جانب طرفین قرارداد، واشنگتن و ایروان می‌خواهند در امور تجاری، نظامی، قضایی و دموکراسی با یکدیگر همکاری کنند. ماه گذشته «جیمز اوبراین» دستیار بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا با سفر به کشور گرجستان تلاش کرد تا به آشوب‌های خیابانی برآمده از تصویب قانون «عوامل خارجی» در این کشور سامان دهد. غرب با حمایت از نیروهای غربگرا می‌خواهد مانع از تصویب این قانون توسط حزب حاکم و متحدانش در تفلیس شود. طبق قانون عوامل خارجی، سازمان‌های غیردولتی و اجتماعی که از کمک‌های خارجی بهره می‌گیرند، باید ضمن ارائه اطلاعات این کمک‌ها به دولت، اقدامات خود با این کمک‌ها را نیز اطلاع دهند. چنین قانونی باعث می‌شود غرب ابزارهای حقوق بشری خود را که در قالب ان جی او ها تجلی یافته‌اند، از دست بدهد. پیشتر نیز به بهانه مناقشات منطقه و درگیری‌های آن حول مساله کریدور جعلی زنگه‌زور، ایالات متحده ورود خود به مسائل قفقاز را شدت بخشیده بود.

با حمله روسیه به اوکراین، آمریکا می‌کوشد به دنبال افزایش روس هراسی و واگرایی کشورهای قفقازی از مسکو، آنها را در مسیر عضویت در ناتو قرار دهد. به همین منظور تلاش می‌کند تا زمان الحاق نهایی، روابط خود با این کشورها را بیشتر ساماندهی کند. همزمان با آمریکا، اتحادیه اروپا نیز کوشیده ورود جدی‌تری به قفقاز داشته باشد. یک اقدام این اتحادیه برگزاری جلسات میان دولتمردان آذربایجان و ارمنستان برای حل‌وفصل تنش‌ها در بروکسل بوده است. حضور غرب در این منطقه و روابطی که پس از جنگ اوکراین با کشورهای قفقاز جنوبی ایجاد کرده، حاکی از آن است که غرب در میانه درگیری روسیه و اوکراین در تلاش است تا زنگ هشداری را برای روسیه در مرزهای دیگر روشن کند.

روس‌ها به شدت نگران التهاب در قفقاز جنوبی هستند. این منطقه در مجاورت قفقاز شمالی واقع شده که به‌طور مستقیم بخشی از خاک روسیه است. در صورت بروز ناآرامی در این منطقه، قفقاز شمالی در روسیه نیز دچار بحران شده و این التهاب می‌تواند در مناطق داخلی‌تر این کشور نیز رسوخ کند. روس‌ها پیش از این در سال‌های ۱۸۱۷ تا ۱۸۶۴ جنگ‌های طاقت‌فرسایی با قبایل قفقازی را تجربه کرده و پس از فروپاشی شوروی نیز درگیری‌های خونباری با چچنی‌ها داشته‌اند. هرچند پیروز نهایی این درگیری‌ها روس‌ها بوده‌اند اما دشواری و هزینه‌های سنگین به همراه باقی ماندن زمینه‌های تنش برای زدوخوردهای آتی، روس‌ها را همواره بیمناک التهاب در این منطقه نگاه داشته است.

علاوه بر برنامه‌های مشترک غربی و به‌طور تفکیک شده محور آنگلوساکسونی به رهبری آمریکا و انگلیس و در سوی دیگر اروپا، فرانسه که خود جزئی از محور اروپایی است، نقشی ویژه در قفقاز ایفا می‌کند. فرانسوی‌ها برای پررنگ کردن جای پای خود در قفقاز دلایل زیادی دارند. نخست آنکه دیاسپورای ارمنی در سه کشور روسیه، آمریکا و فرانسه متمرکز است. از این رو لابی‌های ارمنی در پاریس فعال بوده و دولت این کشور را برای ورود جانبدارانه فرانسه تحریک می‌کنند. فرانسوی‌ها همانند ادعاهایشان در شامات، حضور خود را برای حفاظت از مسیحیان نیز معرفی می‌کنند. این زمینه‌ها پیش از این نیز وجود داشته‌اند اما با جنگ اوکراین، پررنگ‌تر گشته‌اند. فرانسه می‌کوشد در سایه تک‌روی‌های آمریکا، خود برای نجات اروپا وارد مناسبات شود. از این رو رئیس جمهور این کشور ایده اعزام سربازان اروپایی به اوکراین در قالب ناتو را مطرح کرده است. پاریس تا پیش از این بر تشکیل ایده ارتش اروپایی جدای از ناتو تاکید داشت اما امروزه آن‌گونه که جوزف بورل، مسئول اسپانیایی تبار سیاست خارجی اتحادیه اروپایی گفته، درصدد تشکیل ستون اروپایی در درون ناتو است. بر این اساس فرانسوی‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اند از رهگذر سردمداری اروپائیان در درگیری با روسیه، بتوانند ضمن حفظ استقلال اروپا جایگاه خود را نیز ارتقا دهند.

## الحاق فنلاند و سوئد به ناتو

فنلاند و سوئد به‌طور سنتی دو کشور نسبتا مستقل و بی‌طرف اروپایی در درگیری میان روسیه و ناتو بودند که طی جنگ اوکراین به سمت ناتو غلتیدند. این دو کشور علاوه بر مرز مشترک و نزدیکی سرزمینی به روسیه، بر اصلی‌ترین مسیر دسترسی روس‌ها به آب‌های آزاد نظارت داشته و بالای سر اصلی‌ترین نقطه جمعیتی روس‌ها واقع شده‌اند. فنلاند فاصله زیادی با شهر سن‌پترزبورگ به‌عنوان دومین شهر پرجمعیت روسیه و زادگاه پوتین ندارد.

فنلاند حدود ۱۴۰۰ کیلومتر (۸۳۰ مایل) مرز مشترک با روسیه دارد. سوئد نیز در حالی که مستقیما با روسیه هم مرز نیست اما جزیره مهم گوتلند که فقط ۳۲۰ کیلومتر (۲۰۰ مایل) از ارتش روسیه مستقر در کالینینگراد فاصله دارد را حفظ کرده است. این دو کشور جزء مناطقی هستند که از سال‌های ۱۹۹۰ میلادی با ناتو همکاری نزدیک داشته‌اند اما به عضویت این سازمان درنیامدند. پس از حمله روسیه به اوکراین احتمال وقوع حمله‌ای مشابه در شمال اروپا را افزایش داد؛ به‌ویژه اینکه فنلاند و سوئد وضعیتی مشابه اوکراین داشته و عضو ناتو نبودند. غرب نیز از نگرانی فنلاند با حافظه تاریخی که از سال‌های ۱۹۴۰ و حمله ارتش شوروی به کشورش داشت، استفاده کرده و درخواست الحاق این کشور به ناتو را مطرح کرد. پس از اعلام آمادگی این کشورها برای حضور در ناتو، روسیه واکنش تندی نشان داد. اما با وجود هشدارهای متعددی که از جانب مقامات روسی، متوجه فنلاند و سوئد بود مقامات این کشور تاکید می‌کردند که «اگر بخواهند» عضو ناتو خواهند شد. پیش از پیوستن فنلاند به ناتو، این سازمان تنها از طریق مرزهای سه جمهوری بالتیکی دارای مرز مشترک با روسیه بود که با گسترش ناتو این مقدار بسیار افزایش داشت. جایگاه فنلاند و سوئد باعث شده تا آمریکا قادر به بحران‌آفرینی از طریق این دو کشور علیه روسیه باشد. غرب بالاخره سطح تماس مستقیم ناتو با روسیه را بیشتر کرده و درصورتی که بخواهد از اوکراین حمایت کند، می‌تواند از طریق فنلاند و سوئد دست به تهدید روسیه بزند. این تهدید که در نزدیکی اصلی‌ترین نقاط جمعیتی روس‌هاست شرایط سختی را به مسکو تحمیل کند زیرا آنها باید نیروها و ادوات قابل توجهی‌تری را در مرزهای شمالی خود مستقر کنند.

## جمهوری‌های بالتیکی

از اتفاقاتی که در حین جنگ در مرزهای دیگر روسیه رخ داد، اعلام ساخت سنگرهای دفاعی در سواحل دریای بالتیک توسط سه کشور استونی، لتونی و لیتوانی بود. این اتفاق حاکی از آن است که پس از جنگ اوکراین این منطقه نیز دستخوش تغییراتی شده است. اهمیت این سه جمهوری بالتیکی آن است که مانند لهستان، مجارستان و اسلواکی جزئی از بلوک شرق نبوده‌اند، بلکه مستقیما بخشی از خاک شوروی محسوب می‌شدند. این کشورها پس از ۱۹۹۱ و فروپاشی شوروی، حاکمیت ملی خود را بنا نهاده و مستقل شدند.

عضویت این سه کشور در ناتو امتیاز ویژه‌ای برای غرب محسوب می‌شود؛ چراکه پیش از عضویت فنلاند غرب تنها به‌واسطه این سه جمهوری، با روسیه هم‌مرز بود. دریای بالتیک و کشورهای بالتیکی که تا سال‌ها قبل از آرام‌ترین مناطق جهان بودند با وقوع جنگ اوکراین و حضور بیشتر نیروهای غربی در این جمهوری‌ها به انبار باروتی تبدیل شدند که هر آن امکان شعله‌ور شدن آنها وجود دارد.

هرچند این کشورها پیش از جنگ اوکراین در ناتو عضویت داشتند اما پس از جنگ، تحرکات نظامی و حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در آنها بیشتر شده و به خطر جدی برای روسیه تبدیل شده‌اند. سه جمهوری با وجود مساحت اندکی که دارند، برای روسیه بسیار حائز اهمیت هستند. نخست اینکه این کشورها در دوران شوروی مسیر دسترسی روس‌ها به دریای بالتیک بودند که پس از فروپاشی شوروی و از دست رفتن این مناطق، تنها تنگه محدودی برای روسیه باقی ماند تا از طریق آن بتواند به دریای بالتیک راه یابد. دلیل دیگر اهمیت این منطقه، مسیر دسترسی به کالینینگراد است. کالینینگراد با فاصله ۳۰۰ کیلومتری یکی از مناطق روسیه است که از خاک این کشور دور افتاده و در میان لیتوانی و لهستان محصور است. این منطقه پس از بحران در اوکراین به یکی از محل‌های مناقشه میان اروپا و روسیه تبدیل شد. پس از جنگ اوکراین، لیتوانی مانع از عبور برخی کالاها از سمت روسیه به کالینینگراد شد. این اقدام لیتوانی واکنش‌های تندی از روسیه را در بر داشت. روسیه این اقدام را «رفتار دشمنانه و تجاوزکارانه» قلمداد کرد و با احضار سفیر لیوانی، خواهان پاسخگویی در این باره شد. اما با اوج گرفتن تجاوز روسیه در اوکراین، «ماریا زاخاروا» سخنگوی وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که به جهت همکاری با اتحادیه اروپا، مانع از عبور برخی کالاها از روسیه به کالینینگراد خواهد شد، حتی عبور و مرور هواپیما از این خاک برای رسیدن به کالینینگراد نیز پس از جنگ اوکراین ممنوع اعلام شد. از دیگر دلایل اهمیت این منطقه، نزدیکی سه جمهوری به مراکز مهم جمعیتی روسیه همچون سن‌پترزبورگ و مسکو است. نفوذ غرب در این منطقه موجب شده تا روسیه از طریق مرزی استراتژیک و حائز اهمیت با موقعیت سوق‌الجیشی تهدید شود. فاصله این جمهوری‌ها با مسکو پایتخت روسیه تنها ۶۰۰ کیلومتر است. از این رو جمهوری‌های بالتیکی می‌توانند به یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف روسیه در جنگ با غرب تبدیل شوند.

استقرار رادارها و سامانه‌های هشدار زودهنگام و پدافند هوایی می‌تواند دست روس‌ها در توازن قوا را پایین بیاورد. این کشورها همچنین می‌توانند همانند دوران جنگ سرد که آمریکا موشک‌های بالستیک و کروز کوتاه‌برد و میان‌برد خود را در مرزهای بلوک شرق مستقر کرده بود، به میزان چنین سلاح‌هایی تبدیل شوند. در این صورت، درحالی‌که روس‌ها برای حمله به مراکز اصلی غرب باید از سلاح‌های دوربرد و استراتژیک استفاده کنند، مهم‌ترین مراکز جمعیتی و صنعتی‌شان در معرض سلاح‌های کوتاه‌برد ناتو قرار می‌گیرد.

## اقدامات غرب در شبه جزیره کره

۸ فوریه ۲۰۲۴ «آندری رودنکو»، معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد که خطر «مبارزه مسلحانه مستقیم» در شبه جزیره کره را رد نمی‌کند. پیش از آنکه روسیه هشدارهای خود نسبت به اقدامات نظامی صورت گرفته در شبه جزیره کره را جدی‌تر مطرح کند، واشنگتن به همراه سئول و توکیو در حال آماده شدن برای مانورهای مشترک جهت تمرین حملات پیشگیرانه به خاک کره‌شمالی بود. از ابتدای جنگ اوکراین؛ کره‌شمالی به‌عنوان کشور مجهز به سلاح هسته‌ای، در کنار پوتین و دولت روسیه ایستاد. این دو کشور با یکدیگر همکاری‌های نظامی گسترده‌ای داشته که شامل ارسال سلاح و مهمات از سوی کره‌ای‌ها برای روسیه می‌شود. روس‌ها نیز توانمندی‌های موشکی و تکنولوژیکی خود را در اختیار کره‌ای‌ها قرار داده‌اند. این مساله در دیدار حاکم کره‌شمالی با پوتین در پایگاه فضایی «ووستوچنی کازمودروم» در شرق دور روسیه نشان داده شد. پوتین در این دیدار وعده داد که برای «ساخت ماهواره» به کره‌شمالی کمک خواهد کرد. روابط روسیه و کره‌شمالی به‌گونه‌ای صورت‌بندی شده که کرملین بارها اعلام کرده خواهان تقویت همکاری با کره‌شمالی «در همه زمینه‌هاست.» حالا بخشی از منافع روسیه در خاک کره‌شمالی تعریف می‌شود. کرملین در تلاش است تا با حمایت‌های همه‌جانبه و کمک‌های نظامی به این کشور، کیم را به متحد خود تبدیل کند. در بحبوحه جنگ اوکراین، نگرانی کشورهای غربی از تجهیزات و تحرکات هسته‌ای کره‌شمالی بیش از پیش شده است. به همین جهت واشنگتن همه همت خود را بر این گذاشت تا سطح التهابات را در کره‌شمالی بالا ببرد. مقامات ارشد آمریکایی و کره‌جنوبی تحریم و تهدید شبه جزیره کره را آغاز کرده‌اند. آنها به شکل عیان دلیل این اقدامات را حمایت‌های تسلیحاتی کره‌شمالی از روسیه و کمک‌های موشکی مسکو به پیونگ‌یانگ معرفی می‌کنند.

در این میان نقش کره‌جنوبی قابل توجه است. سئول در حمایت از غرب، اقدامات خصمانه‌ای علیه پیونگ‌یانگ از جمله تشدید تبلیغات ضد حکومتی‌اش را تقویت کرده است.

با وجود آنکه دو کشور برای جلوگیری از تشدید خصومت‌ها با یکدیگر قراردادی را مبنی بر عدم اجرای مانورهای نظامی منعقد کرده بودند، اما سئول بر خلاف تعهد خود، نظارت‌های هوایی علیه همسایه‌اش را از سر گرفته و کره‌شمالی را تحریک می‌کند. یک طرف خصومت میان دو کره، مربوط به اقدامات و حمایت‌های ایالات متحده آمریکا از کره‌جنوبی به منظور جلوگیری از قدرت‌یابی یا اتحاد میان کره‌شمالی و روسیه است.

تحرکات آمریکا بیش از گذشته شده و در تلاش است تا در کره‌شمالی، اقداماتی را انجام دهد تا روسیه به‌عنوان متحد این شبه جزیره احساس نگرانی بیشتری داشته یا نتواند از حمایت‌های نظامی کره بهره ببرد. اقدامات ایالات متحده می‌تواند منجر به برهم خوردن نظم بین‌المللی یا ایجاد بحران‌های جدیدتری در عرصه جهانی شود. پرواضح است که آمریکا سعی دارد تا اقدامات ضد روسی خود را از راه اتحاد با باقی کشورها پیش ببرد و روسیه را در جنگ اوکراین و تهاجم به غرب، زمین‌گیر کند.

## اقدامات غرب در کشورهای آسیای میانه

قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان پنج کشور آسیای میانه هستند. آنها پیش‌تر از اقمار جماهیر شوروی بوده‌اند. پس از بحران افغانستان و حضور آمریکا در این منطقه، روسیه از نفوذ و گسترش مشروعیت آمریکا در منطقه نگران شده بود. ارتش این کشور پس از خروج آمریکا از افغانستان، پایگاه قدرت خود را در کشور تاجیکستان تقویت کرد. واشنگتن در تلاش است تا با سیاست «تجمیع اطلاعات با استفاده از منابع میدانی»، حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین آموزش و کمک نظامی و امنیتی، نفوذ خود را در تاجیکستان افزایش دهد. با آغاز جنگ در اوکراین، کمک‌های نظامی قابل توجهی به کشورهای منطقه آسیای میانه صورت گرفت که بیشترین آمارها هم مربوط به کشور تاجیکستان بود. ریاست سنتکام، با سفر به تاجیکستان در ابتدای جنگ اوکراین و اعلام کمک ۶۰ میلیون دلاری آمریکا به امنیت این کشور از همان ابتدا موجب نگرانی از بروز اقدامات ضد روسی در این منطقه شد. ایالات متحده با اعطای پهپاد پوما، ساخت و بازسازی مرزی منطقه «چلداور» در جنوب تاجیکستان، آموزش‌های نظامی و جنگ در کوهستان به نظامیان تاجیک و تجهیزات مرزی موجب شد تا تاجیکستان به محل نزاعی برای نفوذ قدرت‌های بزرگ تبدیل شود. عملیات تروریستی تاجیک‌ها در خاک روسیه حاکی از آن است که غرب از طریق این منطقه در آسیای میانه، هم به دنبال تمرکز زدایی از جنگ اوکراین و هم خواهان انجام اقدامات خصمانه در خاک روسیه است. روسیه نیز به دلیل هم‌مرزی و مجاورت با این کشورها، ملزم به توجه تحرکات آنها بوده و باید بخشی از تجهیزات خود را به کنترل و محدودسازی تحرکات غرب به‌واسطه کشورهای آسیای میانه تخصیص دهد.

## اهداف غرب

با آغاز جنگ اوکراین غرب تلاش‌های خود برای ایجاد نفوذ در مناطق پیرامونی روسیه را افزایش داده است. هدف این اقدامات کاهش تمرکز روسیه بر جبهه اوکراین است. با این حال آنچه غرب در جزئیات به دنبال آنهاست نیز اهمیت بالایی دارند. غرب تنها خواهان کاهش تمرکز روسیه به جبهه اوکراین برای اهداف کلی و ساده نیست. همان‌گونه که رئیس جمهور صربستان درخصوص جنگ اوکراین گفته است، شکست غرب باعث کاهش و بی‌اهمیتی سیاسی این مجموعه شده و شکست روسیه نیز تداوم این کشور در فرم کنونی‌اش را غیرممکن می‌کند. با شکست غرب که تمام توان خود را به اوکراین آورده است، آشکار می‌شود این مجموعه هژمونی و قدرت خود را از دست داده و قابل به چالش کشیده شدن است. به عبارتی دیگر همزمان با مشخص شدن کاهش وزن غرب، دیگران نیز وسوسه خواهند شد با این مجموعه برای کسب منافع بیشتر مچ‌اندازی کنند.

هدف غرب در وهله نخست عدم پیروزی روسیه در اوکراین است تا این پدیده به شکست استراتژیک مسکو تبدیل شود. هدف بعدی غرب، آمادگی برای دوران شکست استراتژیک روسیه است. با شکست مسکو دیگر تصمیمات و تحولات کرملین اثر کمتری بر جمهوری‌های شوروی سابق داشته و حتی احتمال دارد بخشی از مناطق سنجاق شده به خاک روسیه که موطن اقوام و ملت‌های گوناگونی است نیز از خاک این کشور جدا شوند. به عبارتی دیگر حضور غرب در مناطق پیرامونی روسیه برای تحمیل شکست به این کشور و استفاده از مواهب شکستش لازم است. نگرانی جمهوری‌های شوروی سابق نسبت به حمله روسیه که با جنگ اوکراین ثابت شد امکان‌پذیر است، باعث تقویت نزدیکی آنها به غرب شده است اما مخاطراتی نیز دارد. اگر آنها به سمت غرب نروند، احتمال کمی نسبت به واکنش سخت و حمله نظامی روسیه وجود دارد اما با حرکت آنها چنین واکنشی حتمی خواهد بود. از سوی دیگر در مناطق مجاور روسیه تنها روس‌ها نیستند که منافعی دارند. چین و ایران نیز بنابر دلایل امنیتی و تاریخی نگرانی‌های نسبت به حضور غرب در این منطقه دارند.